

نویسنده: ژرژ بالاندیه
ترجمه: حشمت‌الله طبیبی

جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی

و مردم‌نگاری

جریانات جزرومد

نیمه دوم قرن بیستم برای علوم اجتماعی و انسانی دوره " طرح سئوالات " شناخته شده است. علوم اجتماعی و انسانی با کم و بیش بی‌تابی و بی‌قراری، میکوشند، راههای متعددی به سوی علوم همجوار باز کنند، در نتیجه هر یک از این علوم شناخت بهتری در حدود " دانش " و ناتوانی خود بویژه در برابر مسائل اجتماعی معاصر بدست آورده است، علوم اجتماعی یا ناتوانی و محدودیتی که دارد، میکوشد تا با در نظر گرفتن همکاری علوم نزدیک به خود، راه چاره‌ای بدست آورد، و خواهی نخواهی از بلندپروازیهای اولیه یا ادعای جامع بودن خود چشم‌پوشی میکند.

روابط مابین جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی یا انسان‌شناسی Anthropologie
بمعنی " انگلیسی " (۴)، روان‌شناسی و انسان‌شناسی (۵)، جامعه‌شناسی و تاریخ و غیره هرگز با اندازه این چند سال اخیر بررسی و تحقیق نشده است. مباحثه‌ها، مقالات و آثار ویژه، گواه این مدعایند. در همین زمان مشاهده میشود که جستجوهای بمنظور مطالعه روابط مابین دو مبحث فزونی می‌یابد، با وجود این که متخصصین علوم اجتماعی بفعالیت در خارج از قلمرو امور سنتی می‌پردازند، بویژه مطالعات منطقه‌ای " یا Area Studies که لازم می‌دانند کوششهایی در جهت متمرکز ساختن تحقیقات تاریخی، جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی، علوم اقتصادی و سیاسی و غیره روی منطقه‌ای معین صورت گیرد، این علوم

خواهان مطالعه‌ی همه‌جانبه‌اند (۶). مردم‌شناسان نیز کار خود را تنها به مطالعه فرهنگ جوامع " ابتدائی " یا " باستانی " محدود نمی‌کنند. بلکه امروزه روشهای خود را بر جامعه‌های پیچیده و مشکل معاصر در سطحی وسیع نیز اعمال میکنند. باین ترتیب اینان برای کار خود، جا و مقام مشخص و مجزائی بویژه در کنار جامعه‌شناسان بدست آورده‌اند. در جای دیگر خواهیم دید که آیا این تغییر جهت روش مردم‌شناسی مجاز و مؤثر است یا فقط زائیده تخیل می‌باشد. از سوی دیگر آن توجهی که به کشورهای باصطلاح " عقب مانده " (۷) یا کشورهایی که " مراحل قبل از صنعتی شدن " را می‌پیمایند (۸) میشود در بسیاری از موارد موجب شده است که مردم‌شناس را از انحصار حوزه اقتدارش خارج سازد، مردم‌شناس ناگزیر است به مطالعات خود جنبه اختصاصی نریدهد، بهمان اندازه که جمعیت‌شناس، اقتصاددان، جامعه‌شناس و " متخصص علوم سیاسی " فعالیت اصلی خود را به جوامعی از نوع اروپائی محدود نمیکند. فهرست تألیفات تازه مربوط به آسیا، خاورمیانه و افریقا گویای این مدعا هستند. در چنین وضعی باسانی و وضوح نمیتوان روابط مابین علوم را که به دشواری با هم وجه اشتراک دارند تشریح کرد، همانطور که برای جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی و روان‌شناسی چنین کاری ساده نیست، باین ترتیب با گسترش روز افزون علوم اجتماعی عده‌ای میکوشند به علم اجتماعی خاصی دست یابند تا به وحدت علمی که تا به امروز از یکدیگر کاملاً جدا مانده‌اند تحقق بخشند.

کتابی که در سال ۱۹۵۴ زیر نظر ژ. کیلی (۹) انتشار یافته از این نظر معتبر است (۱۰):
در این کتاب پیوستگی که بین مردم‌شناسی، روان‌شناسی و جامعه‌شناسی وجود دارد مورد بررسی قرار گرفته است. این سه علم نزدیک بهم، مشخصاتی دارند که امروزه بین فرهنگ، شخصیت و جامعه بنظر میرسد. این کتاب در جستجوی وسایلی است که با آن بتوان دانشی زیر عنوان انسان اجتماعی " A Science of Social man " بوجود آورد، بدون اینکه نقش علوم اقتصادی و سیاسی و نقش تاریخ در نظر گرفته شده باشد.

این گرایش به سوی وحدت علوم انسانی از علل زیادی سرچشمه میگیرد. در عین حالیکه این وحدت جوئی نشانه‌ای از بحران فکر اجتماعی است، میکوشد حقایق و مشکلات معاصر را تجزیه و تحلیل کند. این گرایش مبین وظیفه دشواری در برابر مشکلات مهم و حیاتی همه جوامع است. از طرف دیگر این گرایش در صدد است بزودی فاصلهای را که بین علوم اجتماعی و علوم طبیعی وجود دارد از میان بردارد.

چنین بلندپروازیه‌ها انتقادات فراوانی را بدنبال داشت (۱۱) بقول کروبر (۱۲) کلمه وحدت integration تمام خصوصیات یک بت را بخود گرفته و نماینده نوعی یکنواختی کودکان‌های است که بیشتر جنبه مذهبی دارد تا علمی، وی همچنین معتقد است شتابی که در وحدت علوم اجتماعی بکار می‌رود بهترین نمودار عدم رشد این علوم است. تحولات جدید بهیچوجه نتوانسته است در مسئله روابط واقعی مابین جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی راه ساده‌ای ارائه دهد. در طی مدتی طولانی هر یک از این دو علم کوشیده است که برتری خود را بر دیگری تحمیل کند، مسئله انسان‌شناسی فرهنگی (۱۳) در آمریکا این چنین بود: کروبر در حالیکه "فرهنگ" را تنها قلمرو "کامل" حقیقی عالم بشریت میدانست، در عین حال ناگزیر به تأیید این برتری شده بود. و مردوک (۱۴) چنین می‌انگارد که انسان‌شناسی فرهنگی، فقط مجاز است طرحی متضمن مجموعه‌ای از مواد مختلف را عرضه دارد و می‌تواند نظری قطعی درباره "کلیت قضایائی که بوسیله علوم اجتماعی فراهم آمده است" بدهد. هر چند این نظر زیاد هم قطعی نیست (۱۵)

در فرانسه جامعه‌شناسی کوشیده است که این موقعیت برتری را اشغال کند. در عین حالیکه مردم‌نگاری در درجه اول و تاریخ در درجه دوم برای جامعه‌شناس مواد را که برای شالوده مطالعات نظری جامعه لازم است فراهم می‌کردند. جامعه‌شناسی بحق خود را بهترین علم شناخت. جامعه‌میدانست که در صدر سایر علوم اجتماع قرار گرفته. اما بلند پروازیهای مکتب دورکیم (۱۶) قابل مقایسه با نتایجی که بدست آمده بود نبودند، تسلط جامعه‌شناسی (در فرانسه) نتوانست بیش از تسلط انسان‌شناسی (در آمریکا) با برجاماند، با وجودیکه این دو علم در گروههای آموزشی دانشگاهها و وحدت عنوان داشته‌اند، در جریان سنوات اخیر موجودیت جداگانه‌ای پیدا کرده‌اند و با وجود اختلافاتی که در معانی هر یک از این دو علم پیش آمده، بموازات یکدیگر پیشرفته‌اند.

این دو واقعیت، یکی واقعیت جامعه‌های سنتی (۱۷) و دیگری واقعیت جامعه‌های مدرن (۱۸) غالباً "در یک فصل، تحت دو عنوان جداگانه که در حقیقت واقعیت‌های کامل" مجزائی را در بردارند قرار می‌گیرند. ولی چنانکه مشاهده شد این جدائیها دیگر نمیتوانند مانع وحدت این دو علم (جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی) باشند. وابستگی‌های جدید، همچنین روابط بدیعی که موجب می‌گردد این دو علم تحت یک نظام درآیند، تا زمانی که علوم اجتماعی مجزا علمیت نیاافته‌است. بسط و گسترش در عرصای تحت تاثیر جریانات

مد و جزری که مبین بلندپروازی یا سقوط نسبی آنهاست متغیر خواهد بود .

زیرنویسها:

- ۱- این مقاله در مجموعه ای زیر نظر ژرژ کورویج تحت عنوان Traite de Sociologie جلد اول چاپ شده . نویسنده مقاله ژرژ بالاندیه ، استاد دانشگاه رنه دکارت " سوربن " پاریس ، جامعه شناس و مردم شناس و رئیس بخش مطالعات جامعه شناسی مرکز مطالعات عالی دانشگاه پاریس و رئیس مرکز تحقیقات آفریقائی است. وی از صاحب نظران در مسائل جهان سوم و دارای تالیفات متعدد در زمینه جامعه شناسی و مردم شناسی و کشورهای در حال رشد است .
- ۲- Ethnologie (مردم شناسی) ترکیبی است از ریشه یونانی Ethnos به معنی قوم و Logos بمعنای شناخت و در اصطلاح بررسی بقایا و آثار اسبابهای نخستین و زندگی جوامع ابتدائی بطور اخص و مطالعه فرهنگ جوامع بطور اعم .
- ۳- Ethnographie (مردم نگاری) ترکیبی است از ریشه یونانی Ethros بمعنی قوم و Graphos بمعنای نوشته و در اصطلاح مردم شناسی "توصیف و بررسی دقیق گروههای اجتماعی بطور اعم و جوامع ابتدائی بطور اخص .
- ۴- Anthropologie "انسان شناسی" ترکیبی است از ریشه یونانی Anthropolos به معنی انسان و Logos بمعنای شناخت و در اصطلاح علم مطالعات مربوط به انسان بطور اعم است . اگر مطالعات ، مطالعه جسمانی یعنی مربوط به اعضای بدن انسان باشد Anthropologie Physicule (انسان شناسی جسمانی) و اگر مربوط به آداب و رسوم و سنتها و مسائل اجتماعی باشد ، Anthropologie Cultural (انسان شناسی فرهنگی) یا Anthropologie Social (انسان شناسی اجتماعی) است .
- ۵- در این مقاله برای اصطلاح Ethnologie معادل فارسی مردم شناسی و برای Anthropologie انسان شناسی بکار رفته است .
- ۶- Bul - int - des Sciences Sociales, Les area studies: Problèmes de méthode de IV, 4, 1952.
- ۷- Les pays Sous-développés
- ۸- Les pays pré-industriels
- ۹- Gillin جامعه شناس و انسان شناس آمریکائی
- ۱۰- j- Gillin (es.) for Science of social man: Convergences in Anthropology, psychology and Sociology, New York, Macmillen, 1954.
- 11- A.L. Kroeber, The knowledge of man, Columbia University, Bicentennial Conference V. oct. 1954

- ۱۲ - A.L. Kroeber انسان شناس آمریکائی (۱۹۶۰ - ۱۸۷۶)
- 13- Cultural Anthropology
- ۱۴ - مردوک George Peter-Murdock انسان شناس آمریکائی (۱۸۹۷)
- 15- G.P. Murdock, Sociology and Anthropology, in Gillin
Op. Cit. PP. 29-30
- ۱۶ - Emile Durkheim (۱۸۵۸ - ۱۹۱۹) جامعه شناس معروف فرانسه که
درباره جامعه و مسائل و امور اجتماع آرائی ارائه داد که سبب تحولی در جامعه شناسی فرانسوی
و ایجاد مکتبی در جامعه شناسی نو گردید که به مکتب دورکیم Ecole Durkheimien
شهرت یافت .
- 17- Sociétés Traditionnelles
- 18- Sociétés Modernes



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی